

پیاده‌اشتت‌وی‌ه‌ما‌ن

علی‌اردشیر بابایی

دریا، نخستین میدان استعمار و آخرین سنگر استقلال

تاریخ استعمار مدرن را باید از ساحل آغاز کرد؛ از لحظه‌ای که کشتی دیگر فقط وسیله سفر و تجارت نبود و به یک دولت متحرک تبدیل شد. کشتی‌های بزرگ اقیانوس پیما، توپخانه، دریاوردان حرفه‌ای، نقشه‌های دقیق و سرمایه بازرگانان روی آب به یکدیگر رسیدند و امکانی ساختند که پیش از آن وجود نداشت: یک قدرت می‌توانست هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود ظاهر شود، بندری را تصرف کند، راه تجارت را ببندد، مالیات بگیرد و سرنوشت مردمی را تغییر دهد که حتی زبان آنان را نمی‌دانست.

استعمار مدرن، پیش از آنکه بر خاک مستقر شود، بر آب مسلط شد. دریا نخستین شبکه جهانی قدرت بود و کسسی که گلوگاه‌های آن را در اختیار می‌گرفت، بدون اشغال همه سرزمین‌های توانست جریان ثروت، سلاح، خبر و انسان را کنترل کند. هرمز یکی از مهم‌ترین این گردها بود؛ جزیره‌ای کوچک اما نشسته بر دروازه خلیج فارس، جایی که تجارت ایران، هند، شبه‌جزیره عربستان و اروپا به یکدیگر می‌رسید. نخستین برخورد بزرگ ایران صفوی با این ماشین استعمار دریایی در هرمز رخ داد. در سال ۱۵۰۷، ناوگان آلفونسو دو آلبوکرک به جزیره رسید و با برتری آتش دریایی، حاکم هرمز را به تسلیم و پرداخت خراج واداشت. تصرف هرمز موازنه تجارت منطقه را تغییر داد و پر تغال را در موقعیتی قرار داد که بر بخش مهمی از رقت‌وآدم میان هند و خلیج‌فارس نظارت و فشار وارد کند. هرمز برای ایران تنها؛ دست‌رفتن یک جزیره نبود؛ تجربه این حقیقت تلخ بود که ضعف در دریای می‌تواند حاکمیت در خشکی را نیز ناقص کند.

در دوره شاهعباس، این بار گشت به یک راهبرد در مرحله‌ای تبدیل شد. بحرین در سال ۱۶۰۲ از کنترل بر تغالی‌ها خارج شد، کمبرون در سال ۱۶۱۴ به دست ایران افتاد و حلقه محاصره هرمز به‌تدریج تنگ‌تر شد. این روند نشان می‌داد که استعمارزدایی صرفاً محصول یک نبرد قهرمانانه نیست؛ به صبر، دولت مقتدر، فرماندهی، شناخت جغرافیا و انتخاب درست زمان نیاز دارد. در سال ۱۶۲۲، امام‌قلی خان با نیروی زمینی ایران و بهره‌گیری حساب‌شده از کشتی‌ها و توپخانه کمپانی هند شرقی انگلیس، قشم و هرمز را بازپس گرفت. این عملیات یک درس ماندگار در سیاست خارجی ایران بر جای گذاشت و آن این بود که می‌توان از تعارض قدرت‌ها بهره برد، اما نباید استقلال تصمیم را به هیچ‌یک سپرد. بنابر این استعمارزدایی، تعویض یک قدرت خارجی با قدرتی دیگر نیست، بازگرداندن اختیار به ملت است. شاه‌عباس و امام‌قلی‌خان فهمیده بودند که بر تغال را نمی‌توان با اعتراض لفظی از خلیج‌فارس بیرون کرد؛ باید منابع قدرت‌ش، یعنی قلعه، کشتی، راه‌نادر کات و انحصار تجاری، هدف قرار گیرد. آنها استعمار را در همان بستری شکست دادند که در آن شکل گرفته بود: در پیوند خشکی و دریا.

اما استعمار پس از شکست در قلعه‌ها میان نرفت، پوست انداخت. استعمار نو ترجیح می‌داد دولتی ظاهرًا مستقل اما وابسته به اراده و سرمایه خارجی، کشور را اداره کند. رسانه، الگوی مصرف، نظام مالی، تحریم فناوری، سرگرمی، تولید دانش و شبکه اطلاعات می‌توانند کاری انجام دهند که روزگاری ناو جنگی انجام می‌داد. در استعمار کنهن، سرزمین اشغال می‌شد؛ در استعمار نو، دستگاه سیاسی؛ و در استعمار فرانو، میدان اصلی خود انسان، ذهن او شیوه دین جهان. استعمار همان‌گونه که بر تغال با کنترل هرمز می‌خواست حرکت کشتی‌ها را تنظیم کند، قدرت‌های مسلط امروز می‌کوشند مسیر پول، فناوری، اطلاعات و حتی تعریف مفاهیمی چون پیشرفت، آزادی و امنیت را در اختیار بگیرند. ابزار تغییر کرده، اما منطق ثابت است؛ در همه‌ا ک کنترل شریان‌ها برای محدود کردن اراده ملت‌هاست. در تاریخ معاصر ایران، امام‌شهیید سیدعلی خامنه‌ای این دگرگونی را زودتر و منسجم‌تر از بسیاری از رهبران سیاسی به مسئله‌ای مرکزی تبدیل کرد. او استعمار را از مسلط حضور نظامی به مسلط سلطه بر تصمیم، اقتصاد، فرهنگ و ذهن گسترش داد و نشان داد که ممکن است کشوری از نظر حقوقی مستقل باشد، اما در تولید علم، رسانه یا تعریف آینده خود وابسته بملت در این دستگاه‌فکری استقلال یک شعار تشریفاتی نیست. توان یک‌ملت‌بری تعیین سرنوشت خویش است. اقتصاد، صرف‌ه رفاه تو نمی‌داند؛ کشاید، عقیم‌اندگی علمی وابستگی می‌آورد و تسلط بر ذهن‌های تولیدمندی را وارد کند؛ سرزمین، منافع خود را بدون جنگ تقدیم کند. استعمارزدایی در اندیشه او فقط پیروان دین ارتش خارجی نیست، بلکه قطع زنجیره‌هایی است که تصمیم‌ملی را به بیرون متصل می‌کند. تأکید بر استقلال سیاسی، اقتصاد مقاوم، پیشرفت علمی، قدرت دفاعی، هویت اسلامی– ایرانی و بازسازی اعتمادبه‌نفش ملی، اجزای جداگانه یک رزنامه نیستند، بلکه‌ای یک راهبرد واحدند. استعمارزدایی کامل، آزادی هم‌زمان خاک، دولت، اقتصاد و ذهن است.

جنگ، رمضان در اسفند ۱۴۰۴ را نیز می‌توان در امتداد همین تاریخ دید. موقعیت ایران و تسلط جغرافیایی آن بر آبره هرمز، بار دیگر نشان داد که دریا هنوز یکی از محو‌های اصلی قدرت جهانی است اما دامنه نبرد از دریا فراتر رفت و هم‌زمان عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای را دربر گرفت. هرمز دوباره از حاشیه نقشه به مرکز منازعه بازگشت، ولی این بار پرسش فقط عبور کشتی‌ها نبود. پرسش بزرگ‌تر این بود که آیا ایران می‌تواند مستقل از اراده قدرت‌های مسلط، موجودیت سیاسی و افق تمدنی خود را حفظ کند یا نه. از این جهت، نبرد جدید ادامه همان رویارویی قدیمی در شکلی پیچیده‌تر بود، یعنی رویارویی اراده سلطه با اراده استقلال. از سال ۱۵۰۷ تا امروز، شکل کشتی‌ها، سلاح‌ها و نقشه‌ها تغییر کرده است، اما مسئله هرمز همچنان مسئله اختیار است. پاسخ ایران نیز ناچار بوده است تکامل یابد؛ از بازپس‌گیری بندر و قلعه، به حفظ استقلال سیاسی و از آنجابه ساخت قدرت در علم، اقتصاد، رسانه و فرهنگ. هرمز در این روایت فقط یک جزیره رنگین در جنوب ایران یا آب‌راهی مهم برای تجارت جهانی نیست، حافظه فشرده چند قرن مبارزه است. آنجا نخستین بار ایران با صورت خشن استعمار دریایی مدرن روبه‌رو شد و همان‌جا موهبت که امنیت خشکی بدون قدرت دریا کامل نیست، امروز نیز استقلال سیاسی بدون قدرت اقتصادی و علمی و شناختی کامل نخواهد بود. میراث استعمارزدایی از شاه‌عباس وامام‌قلی‌خان تا دوره امام شهید سیدعلی خامنه‌ای، به یک اصل خلاصه می‌شود: هیچ ملتی تنها با داشتن مرز مستقل نمی‌شود، استقلال زمانی کامل است که اراده، منابع، ذهن و آینده‌اش نیز در اختیار خودش باشد.

گزیده‌خبر

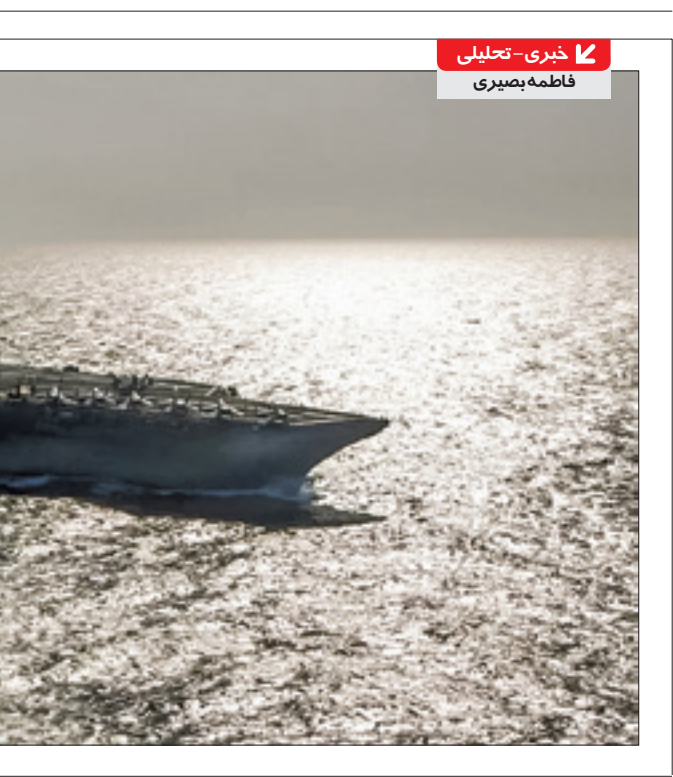
واکنش سردار باقرزاده به ادعای قطری‌ها

قطر به جای تکذیب مجوز حضور تیم کارشناسی بدهد

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح در پاسخ به تکذیب‌های قطری‌ها مبنی بر عدم اسارت خلبانان ایرانی گفت: تیمی متشکل از کارشناسان زبده نیروی هوایی کشورمان چندین ماه است که در انتظار ورود به قطر و بررسی میدانی هستند. به گزارش ایرنا، در پی نامه سردار سید محمد باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، به رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره لزوم پیگیری وضعیت خلبانان اسیر ایرانی در کشور قطر، به دنبال آن تکذیب سخنگوی وزارت خارجه آن کشور، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با رد اظهارات سخنگوی وزارت خارجه قطر اظهار داشت: دولت قطر به جای تکذیب مسئله و ایجاد محدودیت در مسیر حقیقت‌یابی، اجازه دهد تیم کارشناسی و حقیقت‌یاب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به قطر عزیمت نماید. سردار باقرزاده اضافه کرد: تیمی متشکل از کارشناسان زبده نیروی هوایی کشورمان چندین ماه است که در انتظار ورود به قطر و بررسی میدانی می‌باشند، اما کار شکنی‌های پیاپی و دفع‌الوقت مسئولان قطری، تاکنون زمینه بازگشت خلبانان شجاع ما به کشور فراهم نشده‌است. وی بار دیگر بر نقش صلیب سرخ در پیگیری فوری موضوع تأکید کرد و از این که تاکنون دولت کویت نیز در اقدامی مشابه نسبت به اطلاع‌رسانی از سرنوشت چهار ایرانی اسیر شده توسط کویت طفره می‌رود، هشدار داد.

دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ | ۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ |

سرویس سیاسی



آبراهام لینکلن، نماد فرسایش ماشین جنگی امریکا

معضلات غیر قابل کنترل و اجتناب‌ناپذیر ناو آبراهام لینکلن، نمادی از پیدایش مشکلات فرسایشی در سیستم نظامی امریکا در پس جنگ با ایران است. ناوهای هواپیمابر امریکا مرکز ثقل قدرت نظامی این کشور محسوب و نمایش قدرت آنها باعث شده است کشور مقابل تسلیم شود یا رفتار خود را تغییر دهد. ازاین‌رو، هر رویدادی که نشان دهد توانایی ناو برای ادامه مأموریت دچار چالش شده، به نوعی بیان می‌کند که دوران فرسایش و ضعف توان کل سیستم نظامی امریکا در گام آغاز شده است. طبق گزارش‌های متعدد در رسانه‌های غربی، سیستم نظامی امریکا در یک دهه گذشته، به تهدید